زن در زندگی

قوانین عسر و حرج

دکتر حسن حمیدیان
مدیر کل هماهنگی
امور استانهای
قوه قضاییه

فلسفه اصلاح ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی و اضافه شدن یک تبصره آن در خصوص تعیین مصادیق عسر و حرج زنان در واقع پاسخگویی به نیاز زمان در خصوص جبران فقدان اختیارات قانونی زنان می باشد که این اصلاح از دیدگاه محافل حقوقی و قضات دادگاهها نوعی تحول وتهور در قانونگذاری محسوب می گردد و به عنوان یک تحول فوق العاده در ساختار قوانین مدنی ایران به حساب می آید زیرا این اصلاحیه دست دادگاه ها را در زمینه طلاق به درخواست زنان (طلاق عسر وحرجی) باز گذاشته و قضات دادگاه ها تاکنون توانسته اند به مثابه یک قانون عام و فراگیر از آن استفاده نمایند زیرا قلمرو این قانون گسترده و از حیث حل مشکلات زنان بسیار راهگشا است.

از خصوصیات شگرف و شگفت انگیز قاعده عسر وحرج این است که بر سایر قواعد فقهی ارجحیت داشته و از این جهت جایگاه ویژه ای را در بین فقها کسب نموده است زیرا در صورت تعارض این قاعده با سایر قواعد به قاعده عسر و حرج عمل خواهد شد زیرا عسر وحرج مصادیق خاصی نداشته و افراد آن فراوان و مشقاتی را که بنا به گفته پزشکان تابلوی کلینیکی ندارند را نیز شامل خواهد شد و از معدود قواعدی است که به فقدان نص در زمینه قانونگذاری و یا احکام پاسخ مثبت می دهد. از این جهت رفع مشقت جهت اصلی وضع این قاعده است و در کلیه مصادیقی که حد و توان زوجه را به طور عرفی نشانه گیرد محقق خواهد شد زیرا مصادیق آن بر محور رفع ضرر وحرج می چرخد لذا هر مصداقی که در عالم واقع متصور شود و به نوعی متضمن مشقت برای زنان باشد از نظر شارع مقدس مردود و مرفوع است و این قاعده قابلیت رفع آن را خواهد داشت.

طبق ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی «در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج شود زوجه می تواند به دادگاه مراجعه وتقاضای طلاق نماید. در صورت اثبات، دادگاه زوج را اجبار به طلاق نموده و اگر اجبار میسر نشد با اجازه حاکم دادگاه زوجه طلاق داده می شود.

این ماده که در سال ۱۳۷۰ هجری شمسی اصلاح شد معاشر سه گانه قبلی را که شامل
۱ - عدم ایفای وظایف واجبه از سوی شوهر
۲ - سوء معاشرت توسط مرد به حدی که ادامه زندگی زن را غیرممکن سازد
۳ - امراض مسریه صعب العلاج که دوام زناشویی را برای زن به مخاطره اندازد را برداشته وپس از اصلاحیه۱۳۶۱/۱۰/۸ درتاریخ ۱۳۷۰/۸/۱۴ به شرح فوق درآمده است و هدف قانونگذار این بوده است که تشخیص مصادیق را برعهده عرف گذاشته واز این جهت دست دادگاه ها باز باشد اما برخوردهای متفاوت و سلیقه های دادگاه ها در تشخیص مصادیق عسر و حرج و صدور آرای متفاوت از سوی دادگاه ها در موارد مشابه موجب گردیده است که قانونگذار اقدام به تصویب ماده واحده ای در تاریخ ۷۹/۲/۱۸ نموده و یک تبصره به ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی اضافه نماید. طبق این تبصره: عسر و حرج موضوع این ماده عبارت است از بوجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد و موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسر و حرج محسوب می گردد.

۱ - ترک عمدی همسر توسط زوج حداقل به مدت شش ماه بدون عذر موجه
۲ - اعتیاد مضر به یکی از انواع مواد مخدر
۳ - استنکاف از پرداخت نفقه و عدم امکان بر الزام او به تأدیه
۴ - ابتلا زوج به امراض مسری صعب العلاج یا هر عارضه دیگری که دوام زناشویی و سلامت زوجه را به خطر اندازد.
۵ - عقیم بودن زوج به نحوی که مانع اولاد دار شدن زوجه شود.
۶ - سوء رفتار و معاشرت زوج در حدی که عرفاً با توجه به اوضاع و احوال اجتماعی، اخلاقی، روحی و از نظر مکانی و زمانی برای زوجه قابل تحمل نباشد.
۷ - اختیار همسر دیگر در صورت عدم استطاعت بر اجرای عدالت
۸ - عدم رعایت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال به کار یا حرفه ای که منافی با مصالح خانوادگی یا حیثیت زوجه باشد.
۹ - محکومیت قطعی زوج به حبس در اثر ارتکاب جرائمی که مغایر با حیثیت خانوادگی و شؤون زوجه باشد.

مصوبه فوق الذکر در مورخه ۷۹/۳/۴ در شورای نگهبان مطرح و به دلیل آنکه عناوین مذکور خود به خود مساوی با عسر وحرج نیست خلاف شرع شناخته و از سوی شورای نگهبان رد گردیده است.

این مصوبه مجدداً در تاریخ ۷۹/۴/۱۹ درمجلس ششم مطرح و با اصلاحاتی به تصویب رسید که برای بار دوم در جلسه ۷۹/۴/۲۹ شورای نگهبان مطرح و با توجه به اینکه شورای نگهبان اصلاحات انجام شده را رافع اشکال ندانسته است ایراد شورای نگهبان کماکان به قوت خود باقی و خلاف شرع اعلام گردیده است. بعد از برگشت مصوبه به مجلس، نمایندگان با مصوبه ۷۹/۷/۳ بر مصوبه قبلی خود اصرار نموده و عین مصوبه به همراه نظریه شورای نگهبان در اجرای اصل یکصد و دوازده قانون اساسی جهت اخذ تصمیم نهایی وحل اختلاف بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال گردیده است.

مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از قریب ۲ سال بحث و بررسی موارد پنجگانه ذیل را به عنوان مصادیق عسر وحرج تصویب و در انتهای مصوبه خود متذکر گردیده است که موارد ذیل تمثیلی است و تحصیری نمی باشد و نباید به آن به صورت فهرست بسته ای نگاه نمود لذا «موارد مندرج در این ماده مانع از آن نیست که دادگاه در سایر مواردی که عسر وحرج زن در دادگاه احراز شود، حکم طلاق صادر نماید.

مصادیق پنجگانه مصوب ۱۳۸۱/۴/۲۹ مجمع تشخیص عبارتند از:

۱ - ترک زندگی خانوادگی توسط زوج حداقل به مدت شش ماه متوالی و یا نه ماه متناوب در مدت یک سال بدون عذر موجه.
۲ - اعتیاد زوجه به یکی ازانواع موادمخدر و یا ابتلای وی به مشروبات الکلی که به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و امتناع یا عدم امکان الزام وی به ترک آن در مدتی که به تشخیص پزشک برای ترک اعتیاد لازم بوده است.

در صورتی که زوج به تعهد خود عمل ننماید و یا پس از ترک مجدداً به مصرف مواد مذکور روی آورد، بنا به درخواست زوجه، طلاق انجام خواهد شد.
۳- محکومیت قطعی زوج به حبس پنج سال یا بیشتر.
۴ - ضرب و شتم یا هر گونه سوءرفتار زوج که عرفاً با توجه به وضعیت زوجه قابل تحمل نباشد.
۵ - ابتلای زوج به بیماریهای صعب العلاج روانی یاساری یا هر عارضه صعب العلاج دیگری که زندگی مشترک را مختل نماید.

مصوبه فوق الذکر در مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان عالی ترین مرجع تصمیم گیری در کشور موجب گردیده است که قضات دادگاهها حداقل در موارد فوق الذکر به صورت سلیقه ای عمل ننمایند و دارای وحدت رویه واحد باشند و بدون تردید درباره زوجی که بنا به دلایل فوق الذکر دچار عسر و حرج می باشد تصمیم بگیرند.

علاوه بر این دادگاهها این حق را خواهند داشت که هر کاری که انجام دادنش برای زوجه سخت و شاق وعادتاً غیرقابل تحمل باشد را از مصادیق عسر و حرج داشته و او را مطلقه نمایند در مجموع اهم مصادیق عسرو حرج را ناشی از ۳عامل می توان دانست:

الف - عوامل طبیعی یا حقیقی:

۱ - مانند اعتیاد که با تغییر وضعیت طبیعی و ارگانیکی شخص جسم و روح او را تغییر داده و شرایط بنیادین زمان عقد را از بین می برد.
۲ - عقیم بودن مرد: طبیعی است هر دختری به امید مادر شدن و تربیت فرزندان صالح ازدواج نموده و به خانه شوهر می رود لذا حسرت مداوم ناشی از مادر نشدن غم ودرد جانکاهی را دراو ایجاد می نماید که می تواند او را دچار عسر و حرج نماید.
۳- جلوگیری از بچه دار شدن: که در چنین صورتی مرد به صورت غیرمنطقی مانع از بچه دار شدن زن می گردد.

ب: عوامل خارجی و واقعی:

۱ - حبس طولانی: دوری زوج از زوجه در مدت طولانی با فلسفه یک زندگی مشترک منافات داشته و برای زوجه مشقت آور خواهد بود.
۲ - غیبت طولانی و ترک خانواده: این موضوع نیز به منزله فراموشی تعهداتی است که یک مرد با امضای مقدس ترین میثاق بشری یعنی میثاق ازدواج به آن پایبند باید باشد لذا این موضوع در جایی که به صورت عمدی اتفاق بیفتد از حساسیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

ج: عوامل شخصی:

۱ - استنکاف از پرداخت نفقه: هر چند که طبق ماده۱۱۲۹ قانون مدنی اگر مردی مرتکب ترک نفقه گردد زن به استناد این ماده می تواند از دادگاه تقاضای طلاق نماید اما به دلیل اهمیت پرداخت نفقه از سوی مرد در صورتی که از پرداخت نفقه خودداری شود می تواند یکی از مصادیق عسر و حرج نیز به حساب آمده و براساس آن نیز زوجه تقاضای طلاق نماید.

۲- سوء معاشرت ۳- زناشویی غیرمتعارف ۴ـ اکراه شدید ۵- اختلاف سنی زیاد ۶- ازدواج مجدد بدون رضایت همسر اول ۷- جنون در صورتی که از موارد فسخ نباشد ۸- عدم رعایت شغل متناسب با حیثیت خانوادگی زوجه ۹- عقیم بودن مرد و بچه دار نشدن در طول ۵ سال و دهها یا صدها مورد دیگر می تواند از مصادیق عسر و حرج به حساب آید.

بدیهی است حقوق زن در طلاق عسر و حرجی محفوظ و به دلیل آنکه نوع طلاق عسر و حرجی بائن باشد و مرد نتواند مجدداً رجوع نماید زن می تواند بخشی از مهریه خود را بذل نماید در مجموع این قانون هم برای دادگاهها راهگشا و هم زنان را از سردرگمی قبلی وبن بست بیرون آورده و هم از برخورد سلیقه ای قضات جلوگیری و آن را قانونمند نموده است، این نکته را نباید فراموش نمود که مصادیق عسر و حرج در زمانها و مکانهای متفاوت متغیر است و این دوعنصر در تعیین مصادیق مؤثر و مورد اجماع فقها می باشد لذا تعیین مصادیق با توجه به اوضاع و احوال یک نیاز حیاتی است و با نفوذ در احکام اولیه که متضمن سختی و مشقت مکلف باشد قاعده لاحرج حکم اولیه را بر می دارد. عسر وحرج در همه مصادیق آن از نیاز و احتیاج برمی خیزد لذا این نیاز باید حادث شود، پس حدوث عنصر اصلی کاربرد این قاعده در همه ابعاد آن است. با این وصف راه برای زنان جهت تمسک به هر عنوان مستحدث باز ومی توانند فقدان ناشی از اختیارات قانونی خود در زمینه طلاق را جبران نمایند. این مقاله را با جمله ای کوتاه از آن امام نواندیش که در پاسخ به نام فقهای شورای نگهبان در خصوص اصلاح ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی فرمودند به پایان می بریم:

«طریق احتیاط آن است که زوج را نصیحت والا الزام و وادار به طلاق نمایند در صورت میسر نشدن، به اذن حاکم شرع طلاق داده شود و اگر جرأت بود مطلبی دیگر بود که آسانتر است!

انتخاب ۱۰۰۰ زن برای جایزه نوبل سال ۲۰۰۵

میلیون ها زن روزانه برای برقراری صلح و آینده ای بهتر، بدون توجه به امنیت و سلامت خود، مشغول به فعالیت هستند. آنها برای رفاه و آسایش جامعه تلاش می کنند و برای فرهنگ صلح آمیز، عدالت و بازسازی آنچه ویران گردیده است. آنها همچنین در رفع هرگونه کشمکش و جنگ سعی می کنند و در برابر فقر و برای برقراری حقوق بشر مبارزه می کنند. زنان منبع درآمد ایجاد می کنند، آموزش می دهند و از بیماران بویژه مبتلایان به ایدز مراقبت به عمل می آورند. جهت رفع مشکلات متفاوت خشونت راه حل هایی می یابند و آنها را محکوم می کنند. نظر به اینکه فعالیت صلح آمیز زنان بدیهی و بدون جنجال انجام می گیرد، معمولاً شناسایی نمی شود و بدون دستمزد باقی می ماند. از سال ۱۹۰۱ که جایزه صلح نوبل برای نخستین بار اهدا شد، بیشتر از همه مردان و فقط ۱۲ زن آن را دریافت داشته اند. به همین گونه است که وقتی گردهمایی ها و مذاکرات صلح طلبانه ای در مورد بنیان سیاسی و یا نوسازی و امنیت برپا می شود، تصمیمات غالباً از طریق مردان اتخاذ می گردد، نه از جانب زنان صلح طلب. در حالی که زنان با سررشتگی و داشتن تجربه برآنند که برنامه های صلح آمیز را با تکامل و صلاحیت خاص خود به هدف نزدیکتر سازند. در مرکز این مبارزات زنانی از تمام نقاط دنیا حضور دارند، از طبقات ومشاغل اجتماعی گوناگون مانند کشاورزان، معلمان، هنرمندان و یا سیاستمداران و غیره که خود را برای دنیایی عاری از هرگونه تجاوز، متعهد دانسته اند. این زنان سرنوشت و تاریخ و منشأ مخصوص به خود دارند که با دیدگاه های متفاوت به آنها، امکانات بسیار و یا شانس کمتری داده می شود تا اهداف صلح آمیز خود را به نتیجه نهایی برسانند. پروژه انتخاب ۱۰۰۰ زن برای جایزه صلح نوبل سال ۲۰۰۵، کاری است هدفمند. نامزدی ۱۰۰۰ زن به نمایندگی از میلیون ها تن از زنان فعال، شرح حال، دیدگاه ها، شیوه های زندگی، سیاست ها و شبکه های این هزار زن تبلیغ خواهد شد. با این معرفی، آنها هم تشویق می شوند و هم برای تعهدی که دارند مورد تقدیر قرار می گیرند. روی این اصل، بایستی هزار چهره از اینگونه زنان در دنیا مطرح شوند. گذشته و منشأ این زنان سبب می شود که با وجود ۱۰۰۰ استراتژی گوناگون به تلاش های پایدار خود برای صلح بپردازند و به این نحو کمک بزرگی برای بازسازی سیاست صلح طلبانه باشند.

پس از حدود ۳ سال کار روی این پروژه، از اینکه این زنان انتخاب می شوند باعث خوشبختی است. زندگینامه مختصر ایشان از سوی روزنامه نگاران و نویسندگان همان کشور و مراکز دانشگاهی گردآوری خواهد شد. این زندگینامه ها بیانگر ویژگی های اختصاصی زندگی و عملکرد هر یک از آنان می باشد که بازتاب اختلافات و یا تفاوت های فرهنگی است که در ارزیابی اطلاعات شخصی دخالت دارد، به حساب می آید. بر این اساس این پروژه از لحاظ علمی نیز سنجش خواهد شد و بالاخره شبکه های جدید صلح آمیز ایجاد خواهد شد و آنهایی که وجود دارند قوی تر می گردند. برای اطلاعات بیشتر کتابی تحت عنوان «کتابی درباره زنان» در پاییز ۲۰۰۵ به چاپ خواهد رسید.

مترجم: بهجت معتمد
سایت: www.fmf.org

احداث گلخانه ویژه زنان در شیراز

کانون فرهنگی اجتماعی زنان شیراز گلخانه ای را جهت فعالیت زنان شیرازی احداث کرد.

پوران اکبری مدیر کانون فرهنگی اجتماعی زنان شیراز با اعلام این مطلب گفت: هدف از ایجاد این گلخانه ایجاد یک تیم تحقیقاتی شامل گیاهپزشک، علوم گیاهی و باغبانی، متخصص ماشین آلات کشاورزی، علوم زراعی، متخصص ابزار آلات گیاهی، تکنیسین تکنولوژی گیاهی و کشاورزی و همچنین ایجاد یک گلخانه به صورت پایلوت است.

وی برنامه های زنان در این گلخانه را کاشت و تکثیر گونه های گیاهی زینتی، احیای گونه های کمیاب، بررسی گونه های مختلف گیاهان دارویی استان و تحقیقات گیاهپزشکی عنوان کرد.

اکبری می افزاید: استقبال زنان شیرازی از احداث این گلخانه بسیار خوب بود. به طوری که با یک بارفراخوان در روزنامه تعداد بسیاری از زنان به کانون مراجعه کرده و خواستار فعالیت در این گلخانه شدند.

افتتاح آتلیه عکاسی ویژه زنان در یکی از روستاهای زنجان

اولین عکاسی زنان در روستای دو تپه سفلی از توابع خدابنده افتتاح شد.

به گفته فریده اکبری، اولین عکاس زن این روستا، حاکمیت نگاه سنتی و تعصب های خشک نسبت به زنان مانع رفتن آنها به عکاسی مردانه می شد.

به گزارش کانون زنان ایران، «فریده اکبری» دختر ۲۴ساله عکاس این روستا است. وی با نیازهای زنان روستایش هر بار به سراغ فعالیتی خاص می رود و در قبال آن فعالیت نیز چند زن روستایی را مشغول به کار می کند.

وی اکنون نماینده امور زنان روستایش است و برای زنان روستایش در امور فرهنگی و اجتماعی برنامه ریزی می کند.

می گوید: هر بار بنا به نیاز زنان روستایم شغلی ایجاد کرده ام. هنگامی که فهمیدم زنان روستایم به عکاس زن نیاز دارند، با تلاش زیاد و گرفتن وام های خود اشتغالی در این روستا یک مغازه عکاسی و فیلمبرداری ایجاد کردم.

با افتتاح مغازه عکاسی زنان روستایی اکنون خیلی راحت عکس می گیرند و او را به عنوان فیلمبردار زن به مجالس عروسی شان دعوت می کنند.

وی ادامه می دهد: در این روستا تعصب های خشک نسبت به زنان به حدی بود که زنان اجازه عکس گرفتن در عکاسی های مردانه را نداشتند.

وی در کنار مغازه عکاسی اش، تنها مغازه لوازم بهداشتی روستا را نیز اداره می کند.

او از ۱۸ سالگی اش می گوید، زمانی که در دانشگاه علوم افسری پذیرفته می شود. اما همان موقع بر اثر تصادف اتومبیل، کمر و پایش به شدت آسیب می بیند و پزشک معالجش او را از تحصیل در این رشته منع می کند.

نا امید به روستا یش بر می گردد. اما از آنجا که دختری پر جنب و جوش و پر تلاش و به قول خودش از خانه ماندن متنفر است، سعی می کند محیط روستایش را متحول کند.

لبخندی می زند و می گوید: «مربیگری مهد، تدریس در نهضت سواد آموزی، برگزاری اردوهای گردشگری، رابط بهداشت ده، کار با تشکل های زنان و برگزاری جلسات مشاوره و کارگاههای، آموزشی برای زنان روستایم آغاز فعالیت هایم بود.

در آن زمان حرف وحدیث زیاد می شنیدم اما اگر بخواهی برای زنان کاری انجام دهی باید دل را به دریا بزنی و قوی باشی.

در آن زمان خیلی ها از فعالیت منعم می کردند و می گفتند با این کارهایت آینده ات در روستا را از دست می دهی.»

زنان رئیس جمهور

دختر انتقامجو بر مسند قدرت

«دیا پر ماتا مگاواتی سیتا واتی سوکارنو پوتری» متولد ۲۳ ژانویه سال ۱۹۴۷ بود که رئیس جمهوری اندونزی را از ژوئیه سال ۲۰۰۱ تا اکتبر سال ۲۰۰۴ بر عهده داشت.

مگاواتی در ۲۳ ژانویه سال ۱۹۴۷ در یوگیا کارتا، دنیا آمد. او دومین فرزند و بزرگترین دختر سوکارنو است. سوکارنو که بعدها سمت ریاست جمهوری اندونزی را برعهده گرفت، کسی است که در سال ۱۹۴۵، این کشور را از استعمار هلند نجات داد و مادر او، فاتما واتی یکی از ۹ همسر سوکارنو بود. دوران کودکی مگاواتی در کاخ پدرش و در رفاه کامل گذشت.

مگاواتی برای ادامه تحصیل در رشته کشاورزی به دانشگاه باوجدا جاران در شهر باندونگ رفت، اما در سال ۱۹۶۷ برای همراهی با پدرش که از قدرت برکنار شده بود، دانشکده را رها کرد. مگاواتی ۱۹ ساله بود که دولت سوکارنو توسط حکومت نظامی به رهبری سوهارتو سرنگون گردید. دولت جدید با این شرط که خانواده سوکارنو فعالیت سیاسی نکنند، این خانواده را نادیده گرفت در سال ۱۹۷۰، سوکارنو در گذشت و پس از مرگ پدر بود که مگاواتی وارد دانشگاه اندونزی شد تا در رشته روانشناسی تحصیل کند اما دو سال بعد رها کرد.

در سال ۱۹۷۰، اولین همسر مگاواتی، ستوان اول سورینه و سوپجارسو، در یک حادثه هوایی در دریان جایا کشته شد.

در سال ۱۹۷۲، مگاواتی با یک دیپلمات مصری ازدواج نمود، اما این ازدواج دیری نپایید و مگاواتی در سال ۱۹۷۳ ازدواج دیگری کرد و صاحب سه فرزند شد.

***زندگی سیاسی**

مگاواتی به مدت ۲۰ سال از سیاست و فعالیت های سیاسی دوری کرد و خود را تنها یک همسر و مادر می دانست با این وصف طرفداران پدرش او را وارث سیاسی پدر می دانستند. در سال ۱۹۸۷ مگاواتی و همسرش به حزب دموکراسی اندونزی (PDI) پیوستند. این حزب، یک حزب دولتی بود که برای تظاهر به دموکراسی توسط دولت جدید سوهارتو تأسیس شده بود. به عنوان پاداش این پذیرش آشکار از طرف مگاواتی، به منظور تأیید و تصدیق مجلس، او به نمایندگی برگزیده شد.

در سال ۱۹۹۳، مگاواتی به مقام رهبر حزب (PDI) رسید، در این زمان دولت سوهارتوی ۷۲ ساله بسیار ضعیف شده بود. مگاواتی تصمیم گرفت آشکارا به مخالفت با دولت برخیزد. با این اقدام او، علی رغم فقدان مهارت و تجربه و تنها به دلیل نامش او بسرعت در بین مردم، محبوب شد.

در سال ۱۹۹۶ بود که دولت متوجه شد که بادادن اجازه فعالیت سیاسی به مگاواتی آشتباه بزرگی مرتکب شده است و او را مجبور کرد که از رهبری حزب

دموکراسی اندونزی (PDI) کناره گیری کند. این مسأله سبب بروز آشوب و بلوا در جاکارتا شد.

مگاواتی از شرکت در انتخابات عمومی ماه مه ۱۹۷۷ منع شد. این شرایط افزایش میزان محبوبیت او در میان مردم شد، به حدی که او حزب جدیدی را بنام تلاش برای دموکراسی اندونزی (PDI-P) بنیان گذاشت. در این دوره، مگاواتی با شجاعت هرچه تمامتر با دولت مخالفت نمود و سمبل اصلاحات دموکراسی اندونزی شد.

بحران اقتصادی آسیا که از سال ۱۹۹۷ آغاز شد، به همراه افزایش روز افزون خشم جامعه از فساد فوق العاده دولت، دوران زمامداری طولانی سوهارتو را پایان بخشید و او در ماه مه ۱۹۹۸ استعفا کرد.

در انتخابات ژوئن سال ۱۹۹۹ حزب (PDI-P) به عنوان بزرگترین حزب در انتخابات شرکت کرد اما اکثریت مطلق آرا را به دست نیاورد. براساس قانون اساسی جدید اندونزی، رئیس جمهور توسط مجلس مقننه انتخاب می شد و به نظر می رسید که مگاواتی قوی ترین مدعی پست ریاست جمهوری بود. اما سایر احزاب برای جلوگیری از انتخاب او با هم متحد شدند، که بخشی به دلیل مخالفت مسلمانان مخالف انتخاب یک زن به عنوان ریاست جمهوری بود. بجای مگاواتی، دوست و همکار او عبدالرحمن وحید انتخاب شد و مگاواتی عهده دار پست معاون رئیس جمهور شد.

«وحید» در دوران ریاست جمهوری اش با چندین اعتصاب مواجه شد و بزودی ثابت کرد که قادر نیست به عنوان رئیس جمهور انجام وظیفه کند. از طرفی او را متهم کردند که با فساد اداری مبارزه نمی کند. در ژوئیه سال ۲۰۰۱ احزاب تشکیل دهنده مجلس مقننه با هم متحد شدند و او را وادار به استعفا نمودند و در همین ماه بود که مگاواتی به عنوان رئیس جمهور جدید اندونزی شروع به کار کرد.

در دوره زمامداری مگاواتی، فرآیند اصلاحات دموکراسی که از زمان حبیبی و وحید آغاز شده بود، آهسته و مستمر ادامه پیدا کرد. به نظر می رسید که مگاواتی نقش خود را عمدتاً سمبل اتحاد ملی می داند و به ندرت در امور مملکت دخالت می کند. ارتش که در زمان سقوط دولت سوهارتو، مغضوب شده بود، قدرت خود را دوباره به دست آورد. فساد اداری همچنان ادامه داشت.

با وجود اینکه اقتصاد اندونزی، تا سال ۲۰۰۴، تا حدودی از بحران سال ۱۹۹۷ نجات پیدا کرد، هنوز درصد فقر و بیکاری در اندونزی بالا است و مشکلات قابل ملاحظه ای در دولت مگاواتی دیده می شود. براساس قانون اساسی اندونزی مجدداً انتخاب مستقیم ریاست جمهوری بر پاشد و این بار مگاواتی برای بار دوم کاندیدای ریاست جمهوری شد، اما با توجه به وجود کاندیدا های قوی تر در بین مسلمانان و بخشی به دلیل عملکرد ضعیف او در امور اداری، این بار از رقیب خود سوسلو با مینگ با دیوبنو شکست خورد.

بعضی از محققان اندونزی عقیده دارند که یکی از دلایل ضعیف عمل کردن مگاواتی در امور اداری این باور است که او پدر خود را پادشاه خوب اندونزی می دانست که تاج و تخت او توسط شاهزاده سوهارتو غصب شده بود و او به عنوان دختر انتقام جو تاج و تخت پدر را پس گرفت. زمانی که مگاواتی به هدف خود رسید، خیلی تمایل داشت که به عنوان یک ملکه خوب ومهربان فرمانروایی کند واداره دولت را به سایرین واگذارد.

منبع: اینترنت
مترجم: معصومه پیروز بخت